

ایل کلهر و قدرت‌های حاکم از دوره صفویه تا پایان حاکمیت محمدشاه قاجار

منیژه کرمی*، مه‌ری اد‌ریسی، نظام علی دهنوی، صالح امین‌پور

دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران-ایران؛ دانشیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران-ایران؛

استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران-ایران؛ استادیار گروه تاریخ، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران-ایران

تاریخ دریافت: (۱۳۹۹/۰۶/۰۴) تاریخ پذیرش: (۱۳۹۹/۰۹/۲۵)

Kalhor Tribe and Ruling Powers from Safavid Period to the End of Mohammad Shah Qajar Rule

Manizheh Karami*, Mehri Idrisi, Nezam Ali Dehnavi, Saleh Aminpour

PhD Student in History of Islamic Iran, Payame Noor University, Tehran-Iran; Associate Prof, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran-Iran; Assistant Prof, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran-Iran; Assistant Prof, Department of History, Faculty of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran-Iran

Received: (2020/ 08/ 25) Accepted: (2020/ 12/ 15)

Abstract

Kalhor tribe is one of the prominent tribes in western Iran, which has been living in the foothills of the Zagros since ancient times and like other tribes, has played a role in the political and military history of Iran. This study aims to clarify the position of the Kalhor tribe in political and military events in the west of the country by describing and analyzing first-hand source data, local history, and authoritative research texts. It seeks to answer these questions: What were the relations of the Kalhor tribe with the rulers of Iran from the Safavid period to the end of the reign of Mohammad Shah Qajar? And what role did this tribe play in the relations between Iran and the Ottoman Empire? The findings of the study indicate that the Kalhor tribe had less influence and power in the court of the Safavid kings than the Zanganeh tribe did. The continuous revolts of the Kalhor tribe, especially in the first half of the rule of this dynasty until the reign of Shah Abbas I, led to ignoring the Kalhor leaders by the ruling power. During the Afshari period, due to Nader Shah's conflicts with the Ottomans and the need for the cooperation of the western tribes, there was a relative improvement in the relations of the Kalhor tribe with the government. In the days of Zandieh dynasty, the elders of the Kalhor tribe played their historical role alongside the central power by helping Karim Khan Zand to achieve the monarchy and establishing family ties with him. The Kalhor tribe played an effective role in the battles of Iran and the Ottoman Empire during the Qajar period and the rule of Mohammad Ali Mirza Dolatshah over Kermanshah until the end of the reign of Mohammad Shah Qajar.

Keywords: Kalhor Tribe, Safavieh, Afsharieh, Zandieh, Qajarieh, Ottoman.

چکیده

ایل کلهر یکی از ایلات برجسته در غرب ایران است که از گذشته‌های دور در کوه‌پایه‌های زاگرس سکونت داشته و همچون سایر ایلات در تاریخ سیاسی و نظامی ایران نقش ایفا کرده است. این پژوهش با هدف روشن کردن جایگاه ایل کلهر در رویدادهای سیاسی و نظامی غرب کشور و با توصیف و تحلیل داده‌های منابع دست اول، تاریخ‌های محلی و متون تحقیقی معتبر در پی پاسخگویی به این پرسش‌ها است که روابط ایل کلهر با حکام ایران از دوره صفویه تا پایان دوره حاکمیت محمدشاه قاجار چگونه بود؟ و این ایل چه نقش و جایگاهی در روابط ایران و عثمانی ایفا نمود؟ یافته‌های پژوهش حاکی است که سران ایل کلهر نسبت به ایل زنگنه نفوذ و توان کمتری در قدرت و دربار شاهان صفویه داشتند، زیرا شورش‌های مداوم این ایل به خصوص در نیمه نخست حاکمیت این سلسله تا روزگار حکمرانی شاه‌عباس اول به بی‌توجهی قدرت حاکم به سران این ایل منجر گردید. در دوره افشاریه به دلیل درگیری‌های نادر با عثمانی و لزوم همراهی ایلات غرب، بهبودی نسبی در مناسبات ایل کلهر با حاکمیت حاصل شد. در روزگار زندیه بزرگان ایل کلهر با یاری رساندن به کریم‌خان زند در دستیابی به سلطنت و نیز با برقراری پیوندهای خانوادگی با وی، نقش تاریخی خود را در کنار قدرت مرکزی ایفا نمودند. ایل کلهر در دوره قاجاریه و حکمرانی محمدعلی میرزا دولت‌شاه بر کرمانشاه تا پایان حکومت محمدشاه قاجار نقش مؤثری در نبردهای ایران و عثمانی به عهده داشت.

کلیدواژه‌ها: ایل کلهر، صفویه، افشاریه، زندیه، قاجاریه، عثمانی.

* Corresponding Author: m.karamy1@gmail.com
edrisime@gmail.com
n_dehnavi@pnu.ac.ir
saleh.aminpoor@gmail.com

* نویسنده مسئول: منیژه کرمی

۱. مقدمه و طرح مسئله

در نیمه نخست حاکمیت صفویان، قزلباشان به عنوان پشتوانه اصلی نیروی نظامی آنها، قدرت بلامنازع در ایران محسوب می‌شدند. در این میان، برخی از ایلات غرب ایران و از جمله ایل کلهر و مناطق متعلق به آن همواره صحنه منازعه و نبرد دو قدرت صفویه و عثمانی بود. پس آنان گاهی برای بقا و کسب منفعت بیشتر مجبور به بازی دشوار سیاسی در میان این دو قدرت اصلی برمی‌آمدند. در واقع، رؤسای ایلات گُرد در آن مقطع بیش از هر چیز ترجیح می‌دادند به گونه‌ای عمل نمایند تا موفق شوند بقای خود را تضمین کنند و علاوه بر ملاحظات مذهبی، در پی منافع خود نیز بودند. آنها نسبت به آن گروهی از صاحبان قدرت اعلام وفاداری می‌کردند که به آنها اقتدار سیاسی بیشتری در مناطق ایلی خود می‌دادند. با آگاهی از این ضرورت‌های حیاتی، بهتر می‌توان برخی چرخش‌های سیاسی ایلات گُرد را در اتحاد با صفویان و عثمانی‌ها درک کرد. باین‌همه، در چنین شرایطی ایلات کلهر، زنگنه و پازوکی به‌همراه برخی دیگر از ایلات معتبر ترجیح دادند تا به خدمت شاه صفوی درآیند و با مؤسس سلسله نوپدید صفویه همراه شوند و نقش تاریخی خود را ایفا نمایند.

از نیمه دوم حاکمیت صفویان، به‌ویژه از زمان شاه صفی، ایل زنگنه در کرمانشاه ارتباط بیشتر و پردوام‌تری با حاکمیت در مرکز برقرار نمود و برخی از بزرگان ایل به مقامات بالایی منصوب شدند و ایل کلهر در این حوزه جایگاه چندانی کسب نکرد. در دوره افشاریه، به‌رغم نبردهای متعدد نادر با عثمانی‌ها و شرکت فعال ایل کلهر در آن جنگ‌ها، سرانجام نادرشاه با اقداماتی، دست به

تضعیف موقعیت ایل کلهر زد. در دوره زندگی کریم خان زند به علت قرابت فرهنگی با گُردها و به خاطر مقابله با رقیبانش، به اتحاد نیرومندی با این ایلات دست زد و کلهرها در این میان جایگاه والایی نزد خان زند یافتند. با ظهور آقامحمدخان قاجار، غرب کشور نیز به یکی از صحنه‌های نبرد تبدیل شد و در نهایت از این زمان ایل کلهر نقش برجسته‌تری در تحولات و حوادث ایفا نمود. این ایل همواره در رقابت‌های بین دو دولت ایران و عثمانی بر سر مناطق استراتژیک غرب کشور و به‌خصوص در نبردهای محمدعلی میرزا دولتشاه با قوای عثمانی نقش و حضوری فعال داشت.

دغدغه و مسئله اصلی این پژوهش بررسی و شناخت رابطه سران ایل کلهر و حکام ایران و نیز نقش این ایل در مناسبات سیاسی و نظامی ایران و عثمانی در خلال دوره صفویه تا پایان حاکمیت محمدشاه قاجار است.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی و مذاقه در تحقیقات منتشر شده در باب کرمانشاه و ایل کلهر نشان می‌دهد که این آثار اغلب به آداب و رسوم، زبان و ادبیات، موسیقی، شاعران و هنرمندان، شاخه‌ها و شعبه‌های ایل و بیلاق و قشلاق آن پرداخته‌اند. شواهد نشان می‌دهد تاکنون پژوهشی مستقل که به رابطه این ایل و سران آن با قدرت حاکم در ایران از روزگار صفویه تا پایان حاکمیت محمدشاه قاجار و نیز نقش این ایل در رقابت‌های دو قدرت صفویه و عثمانی در روزگار مذکور پرداخته باشد، انجام نیافته است. البته در این راستا می‌توان مقاله "نقش سیاسی

کرده است. اردشیر کشاورز در کتاب *امیر مخصوص کلهر*، در سه جلد به چندتن از ایلخانان کلهر و از جمله داوودخان کلهر پرداخته است. در این اثر مؤلف به نقش ایلخانان متأخر کلهر از دوره دوم قاجار تا دوره پهلوی دوم توجه کرده است. *تاریخ ایل کلهر*، اثر ابراهیم اکبریان گیلان، نیز درباره والیان، بزرگان، خوشنویسان و ادیبان ایل کلهر نگاشته شده است که اطلاعات مهمی در باب موضوع پژوهش در اختیار نگارنده قرار نداده است.

از جمله آثاری که در باب ایل کلهر نگاشته شده کتاب *ایلات و طوایف کرمانشاه*، نگاشته محمدعلی سلطانی است. مؤلف در این اثر علاوه بر معرفی طوایف و تیره‌های ایل کلهر و دیگر ایلات کرمانشاه، به شرح تاریخ سیاسی، نظامی، اجتماعی، اقتصادی و ... ایلات مزبور نیز اهتمام ورزیده است. از امتیازات کتاب سلطانی می‌توان دسترسی وی به اسناد و کتابچه‌ها و دست‌نوشته‌هایی دانست که از سوی بازماندگان خاندان‌ها و سران ایلات و عشایر در اختیار ایشان قرار داده شده که حاوی مطالب و اطلاعاتی است که در منابع اصلی به آن اشاره نگردیده است و بر حسب ضرورت در پژوهش فوق مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال مؤلف شخصاً عقدنامه مریم سلطان، دختر محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله، فرزند محمدعلی میرزا دولت‌شاه، با محمدحسین خان، فرزند محمدعلی خان کلهر، را نزد آقای سیروس یآوری کلهر مشاهده نموده که خود گواه معتبری مبنی بر اتحاد و پیوند خانوادگی ایلات کلهر و حمایت آنان از فرزندان دولت‌شاه است. همچنین

نظامی ایلات و طوایف کرمانشاهان در روابط ایران و عثمانی از دوره شاه‌تھماسب صفوی تا پایان دوره کریم‌خان زند" نوشته ناهید کشتمند و فریبرز ویسی را نام برد که به طور کلی نقش ایلات کرمانشاه هر چند با تاکید بر نقش سران ایل زنگنه مورد بررسی قرار گرفته است و به لحاظ زمانی نیز تفاوت‌هایی با نوشتار فوق دارد.

یکی از پژوهش‌های برجسته در حوزه تاریخ ایل کلهر کتاب چهارجلدی *تاریخ سیاسی اجتماعی بزرگ ایل کلهر*، اثر ولی فولادی منصوری، است. وی در گامی طاقت‌فرسا، به اغلب مناطق کلهرنشین مسافرت نموده، با بزرگان آن محل در باب ایل مذکور به گفت‌وگو پرداخته و اسناد و مدارک ارزشمندی به دست آورده است و تلاش نموده تاریخ جامع و کاملی از ایل کلهر تدوین نماید، با این حال تعدادی از حوادث و نیز اسامی و ... در این اثر همخوانی چندانی با منابع تاریخی ندارد و برخی از منابع این اثر در نگارش کتب و مقالات علمی و پژوهشی از جایگاه علمی چندانی برخوردار نیستند که در این میان می‌توان به آثار ذبیح‌الله منصوری و برخی رمان‌های تاریخی اشاره کرد.

کتاب *مردم‌شناسی قوم گُرد با تکیه بر ایل کلهر*، اثر خسرو جعفری‌بگی، از دیگر تحقیقاتی است که به حوزه ایل کلهر پرداخته است. این اثر به موضوعاتی چون قلمرو جغرافیایی، ویژگی‌های جمعیتی، صنایع دستی و آداب‌ورسوم ایل توجه

آقای سلطانی موفق به مصاحبه با معمرین و خردورزانی از ایلات شده است که در سینه و حافظه خود رویدادهای ناگفته و نانوشته بی‌شماری از حوادث و رویدادهای عصر خود و ادوار پیشین داشته‌اند که به لطف قلم سلطانی مکتوب و محفوظ مانده‌اند.

به هر روی، مقالات متعددی در حوزه ایل کلهر به رشته تحریر درآمده است که اغلب به سال‌های پایانی دوره قاجاریه و نیز به دوره پهلوی پرداخته‌اند که در چارچوب این پژوهش نیست که به عنوان نمونه دو مورد ذکر می‌گردد: «بررسی روابط متقابل ایل کلهر با دولت مرکزی طی سال‌های ۱۳۰۵ تا ۱۳۳۲ش»، نوشته کیوان شافعی و خدیجه عباسی و مقاله «ایل کلهر با تکیه بر شورش سالارالدوله قاجار»، نوشته علی‌رضا گودرزی.

۴. ایل کلهر در دوره صفویه

تشکیل حکومت شیعه مذهب صفویه نقش برجسته‌ای در حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی گردها بر جای نهاد. با روی کار آمدن شاه اسماعیل اول، قزلباشان نزدیک‌ترین و عمده‌ترین حامیان حاکمیت صفویان در قدرت بودند. این موضوع باعث شد که سایر ایلات و نیروهای قدرتمند در سرزمین ایران در حاشیه قرار گیرند و سران کلهر نیز از این قاعده مستثنی نبودند.

بررسی متون تاریخی نشان می‌دهد که بخش عمده مناطق ایل کلهر، از دوره شاه اسماعیل به‌ویژه در دوره شاه‌تیماسب اول، تحت حاکمیت

یکی از قزلباشان به نام ذوالفقارخان موصول^۱ بود که در خلاء قدرت پس از مرگ شاه اسماعیل و روی کار آمدن شاه تیماسب بی‌تجربه، علم شورش برافراشت (روملو، ۱۳۵۷: ۲۷۲-۲۷۳). به اعتقاد اسکندربیک ترکمان «ذوالفقارخان ولد نخودسلطان ... حاکم کلهر نقش مخالفت و سرکشی بر لوحه ضمیر نگاشته به هوس ایالت و دارایی بغداد» برآمد (اسکندربیک ترکمان، ۱۳۸۲: ۱/ ۹۴-۹۵). ابراهیم‌خان موصول حکمران بغداد و عموی ذوالفقارخان، مورد شبیخون برادرزاده خود قرار گرفت و کشته شد. «ذوالفقارخان ... با غلبه تمام به دارالسلام آمده بر آن بلده مستولی گردید و جمع کثیر از اُقباء و اقوام خود به تیغ قهر و ستم به قتل آورده، بر کل عراق عرب رقم اختصاص کشیده علم تسلط افراخت» (همان، ۱/ ۹۵؛ روملو، ۱۳۵۷: ۱۵۹-۲۷۳). ذوالفقارخان با تصرف بغداد و کل عراق عرب و نیز متابعت برخی از قبایل عرب از وی، حکومتی مستقل را به وجود آورد که تا سال ۹۳۵ق ادامه داشت. اهمیت سرکوبی حاکم سرکش ایل کلهر و کنترل مجدد بر شهر بغداد برای شاه تیماسب اول به حدی بود که خود او در رأس نیروهای نظامی قزلباش عملیات نظامی را فرماندهی کرد. در سال ۹۳۵ق نیروهای شاه ایران بغداد را محاصره کرد و در نهایت ذوالفقارخان با تبانی دو برادرش با شاه صفوی کشته شد (اسکندربیک ترکمان، ۱۳۸۲: ۱/ ۹۵).

۱. موصولها از طوایف ترکمان ساکن ناحیه دیار بکر بودند که پس از پیوستن امیربیک موصول - که از جانب آق‌قویونلو مدت‌ها والی دیار بکر بود - در سال ۹۱۳ق به شاه‌اسماعیل اول در شمار قزلباشان درآمدند (قزوینی، ۱۳۱۴: ۲۴۹)، و از آنجا که صفویان اداره و ریاست ایلات را به جای رؤسای محلی به سران قزلباش واگذار می‌کردند لذا ذوالفقارخان پسر نخودسلطان موصول حاکم عشایر کلهر بود.

توجهی روی داد که به برجسته‌تر شدن فعالیت‌های نظامی ایل کلهر انجامید. شاه به منظور نبرد با ازبک‌ها در قراردادی با عثمانی، بخش‌های مهمی از غرب ایران را به آنها واگذار کرد. او قصد داشت با این سیاست از جانب عثمانی‌ها آسوده شده و با خیال راحت با ازبک‌ها در شرق قلمرو خویش به نبرد بپردازد. در روزگاری که مناطق غربی به واسطه قرارداد مذکور در اختیار عثمانی‌ها قرار داشت، ایل کلهر در قلمروی شامل نواحی ماهیدشت در کرمانشاه تا مندلی در عراق امروزی و حتی تا مناطقی در نزدیکی بغداد سکونت داشت. این ایل در این زمان از نوعی استقلال داخلی برخوردار بود؛ با این همه در نهایت تا سال ۱۰۲۱ق تابع دولت عثمانی به‌شمار می‌آمد (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۲۰۳). به نوشته مؤلف *عالم‌آرای عباسی*، قلمرو ایل کلهر از ۹۹۸ تا ۱۰۲۱ق تحت سلطه حکومت عثمانی قرار داشت تا اینکه در سال ۱۰۲۱ق، شاه‌عباس اول الله‌وردی‌خان، حاکم فارس، را مأمور اخراج عثمانی‌ها از خاک کلهر و تصرف بغداد کرد (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۸۲: ۲/۶۴۹).

زمانی که شاه‌عباس در ۱۰۲۱ق در ادامه فتوحاتش در شمال غرب تصمیم گرفت تا مناطق غرب کشور را از تسلط عثمانی‌ها ساخته و عازم فتح بغداد شود، کرمانشاه را به سبب موقعیت سوق‌الجیشی به عنوان پادگان نظامی و تدارکاتی خویش انتخاب کرد. در این روزگار ایل کلهر به سه بخش تقسیم شده بود: بخش نخست شامل حکام پلنگان؛ بخش دوم مرکب از امرای در تنگ زهاب و بخش سوم نیز امرای ماهیدشت (بدلیسی، ۱۳۶۴: ۴۰۹-۴۱۲).

به هر روی، قوای کلهر در برابر طلیعه سپاه

به هر روی، استقلال‌طلبی کلهرها پایان نیافت. مؤلف *تاریخ جهان‌آرا* در باب ایل کلهر معتقد است که «همواره آثار عصیان و فساد آنان» (غفاری قزوینی، ۱۳۴۳: ۲۹۵) هویدا است و عبدی‌بیگ در *تکملة الاخبار* به مزاحمت ایل کلهر برای حکومت اشاره داشته است (عبدی‌بیگ شیرازی، ۱۳۶۹: ۹۲).

مینورسکی بر مبنای گزارش میرزا سمیعا، مؤلف *تذکره الملوک*، معتقد است که کلهرها از اواسط سلطنت شاه تهماسب با دربار صفویه ارتباط برقرار کردند؛ در قشون صفویه، گردان کلهر و پازوکی از لحاظ تعداد با ترکمانان شاهسون (قزلباش) برابر بودند، درحالی‌که از بودجه‌ای معادل یک‌دهم آنان برخوردار می‌شدند (مینورسکی، ۱۳۷۸: ۵۷-۵۸).

شواهد نشان می‌دهد که رفتار ایل کلهر با حاکمیت در دوره شاه تهماسب بر یک مدار ثابت نمی‌چرخید. در این دوره، گاه شورش‌هایی بزرگ به دست سران این ایل شکل می‌گرفت و زمانی با حاکمیت رفتار و گرایش صلح‌طلبانه‌ای برقرار می‌گردید. به نظر می‌رسد علت تغییر در رویکرد و رفتار ایل کلهر نسبت به حکومت صفویه را باید در فشار نظامی شاه تهماسب اول جستجو کرد که سرانجام سبب تغییر در اوضاع و تمکین بزرگان ایل مذکور از حکومت مرکزی گردیده بود. به روایت روملو، شاه تهماسب در سال ۹۴۹ق بار دیگر برای سرکوبی شورش ایل کلهر اقدام به اعزام نیرویی به ریاست عبدالله‌خان استاجلو و شاه‌قلی سلطان از امرای قزلباش نمود که به سرکوبی سران شورشی و دستگیری آنان منجر شد (جنابدی، ۱۳۷۸: ۴۸۳؛ روملو، ۱۳۵۷: ۳۹۵).

در روزگار حکومت شاه‌عباس اول اتفاق قابل

سنقر به شاهرخ بیگ زنگنه (محمدیوسف مورخ، ۱۳۱۷: ۲۷۳)، ایل کلهر تابع دولت مرکزی ایران گردید و تحت حاکمیت ایل زنگنه با مرکزیت سنقر و کرمانشاه قرار گرفت.

شواهد نشان می‌دهد که قدرت نظامی ایل کلهر، به‌رغم در حاشیه قرار گرفتن، همچنان حفظ شد و از این روزگار بیشتر در رکاب ارتش صفویان خدمت کرد. به عنوان نمونه؛ در زمان شاه‌عباس دوم و در نبردی که بین قوای صفوی و شاه‌جهان - حاکم گورکانی هند - در سال ۱۰۵۷ ق در گرفت، قوای گُرد به سرکردگی منصورخان کلهر به سپاه مرتضی‌قلی‌خان قاجار - فرمانده سپاه صفوی در این جنگ - پیوست و در کنار خان قاجار، با دشمن نبرد کرد (میراحمدی، ۱۳۷۱: ۸۹). در واقع در تمامی نبردهایی که در این مقطع در شرق قلمرو ایران صفوی درگرفت، سواران گُرد کلهر و زنگنه به همراه دیگر ایلات کوچک‌تر در رکاب مرتضی‌قلی‌خان جنگیده و برای باز پس گرفتن قندهار شجاعانه تلاش کردند (محمدی، ۱۳۷۶: ۵۲).

با تحت‌الشعاع قرار گرفتن ایل کلهر، به تدریج چهره‌هایی از ایل زنگنه در دربار شاه‌عباس اول حضور یافتند. در این دوره، ایل کلهر ماهیدشت از دو طایفه شهبازی و منصوری تشکیل می‌شد که در محدوده خود به اموری چون تقسیم مراتع هر طایفه، تنظیم زمان و مکان کوچ، دریافت مالیات و دریافت حق عبور زوآر می‌پرداخت (بدلیسی، ۱۳۶۴:

شاه‌عباس به مقاومت پرداختند و با استفاده از حملات غافلگیرانه، صدمات و خساراتی را به سپاه ایران وارد آوردند. شاه‌عباس که در آن روزگار در اوج اقتدار و توان نظامی به سر می‌برد، این اقدامات را تحمل نکرده و فرمان سرکوب شدید قوم کلهر را صادر کرد. با صدور فرمان شاه‌عباس مملکتکات ایشان عرصه نهب و تاراج شد ... و تمامی قلاع و مملکت ایشان به تصرف اولیای دولت ابد پیوند، درآمد» (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۸۲: ۶۵۰/۲؛ منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۲۴۷).

پس از سیطره صفویان بر مناطق غربی و گسترش قلمرو آنان تا حدود بغداد (اسکندریگ ترکمان، ۱۳۸۲: ۶۹۹/۲) سرنوشت ایلات گُرد منطقه نیز یکبار دیگر دستخوش تغییر و تحول گردید. بعد از این واقعه، به تدریج از مرکزیت ایل کلهر در میان ایلات کرمانشاه کاسته شد. شاه‌عباس تلاش کرد تا با ایجاد تغییراتی در محل سکونت و همچنین ترکیب رهبری ایلات، از قدرت بالقوه آنها بکاهد. به همین منظور و با توجه به سابقه تاریخی ایل کلهر، تلاش گردید تا قدرت و مرکزیت آنها در منطقه کرمانشاه تحت‌الشعاع تقویت دیگر ایلات گُرد قرار گیرد. لذا از این دوره به بعد، سیاست این بود که با برکشیدن و تقویت دیگر طوایف گُرد و ایجاد رقابت بین آنها، اولاً از قدرت و مرکزیت ایل کلهر کاسته شود و ثانیاً تاحدودی قدرت بالقوه این ایلات به رقابت و هم‌چشمی با یکدیگر مصروف گردد. در این راستا، شاه‌صفی (۱۰۳۸-۱۰۵۲ ق) به انتصاب فرمانروایی گُرد از ایل زنگنه اقدام نمود و با واگذاری بیگلربیگی^۱ سرحد بغداد، ولایت دینور، کلهر و

حاکم می‌گفتند و عنوان بیگلربیگی ظاهراً از دوره شاه تهماسب احتمالاً در ۹۵۰ ق در ایران کاربرد یافت و این لفظ برای حکام ایلات بزرگ مقرر بوده است (زُربورن، ۱۳۸۳: ۲۹). بیگلربیگیان حکامی بودند که از پایتخت تعیین می‌شدند (مینورسکی، ۱۳۳۴:

نهایند، لرستان و ولایات گرجستان را به عثمانی واگذار کرد و در ازای این بذل و بخشش فقط به عنوان شاه ایران شناخته شد و نام اشرف در خطبه‌ها و سکه‌های ایران منظور گردید (رمضانی، ۱۳۸۷: ۵۶؛ ملکم، ۱۳۸۰: ۲/ ۴۵۸؛ میراحمدی، ۱۳۷۱: ۱۰۰).

بدین ترتیب ایالت گردنشین کرمانشاه بار دیگر تحت حوزه اقتدار دولت عثمانی قرار گرفت. اما این وضعیت چندان دوام نیافت، زیرا شاه‌تھماسب دوم اگرچه خود نتوانست کاری انجام دهد، ولی تلاش و تکاپوی او برای حفظ حیات پادشاهی سبب ظهور نادر گردید. نادر پس از بیرون راندن افغان‌ها از ایران در مرزهای غربی به نبرد با عثمانی پرداخت و طی چندین حمله نیروهای عثمانی را منهدم و شهرهای از دست رفته را بازپس گرفت. پس از این پیروزی راهی شرق ایران گردید و با بقایای نیروهای افغانی که بدان سو گریخته بودند به نبرد پرداخت.

با کوتاه شدن دست افغان‌ها از حکومت، زمینه برای تاج‌گذاری رسمی تھماسب‌میرزا فراهم گردید. وی در سال ۱۱۴۲ق رسماً با نام شاه تھماسب دوم بر تخت سلطنت تکیه زد و برای رقابت با نادر درصدد برآمد به طور مستقل به نبرد با عثمانی بپردازد و با کسب پیروزی در برابر قوای اشغالگر، هم خاک اشغال شده مملکت را آزاد سازد و هم از زیر سایه نام پرافتخار نادر خود را بیرون آورد و در میان عامه مردم اعتباری کسب کند. عملکرد اشتباه تھماسب دوم باعث از دست رفتن مجدد مناطق غربی و گرفتاری ایلات گرد گردید:

ایلات گرد و چادرنشینان کرمانشاه، تحت نظر عثمانی درآمدند، تا اینکه در سال ۱۱۵۴ق

(۱۲۴) و تا اوائل حکومت قاجار با عنوان قلعه‌بیگی^۱ و تحت فرمان حکمرانان انتصابی زنگنه، درحوادث منطقه نقش ایفا نمودند.

۴. ایل کلهر در دوره افشاریه

بعد از سقوط صفویان، قدرت و انسجام درون ایلی در میان کلهرها روز به روز در حال افزایش بود. در واقع، تضعیف صفویان و دوران طولانی مدّت رهبری منصورخان کلهر سبب بازگشت اقتدار پیشین در میان این ایل گردید. ضمن آنکه ایل زنگنه نیز به سبب حضور برخی از بزرگان آن در بالاترین مقام‌های حکومت صفوی از نفوذ و اعتبار فراوانی برخوردار بود.

سقوط دولت صفویه و ظهور افغان‌ها باعث بروز هرج و مرج در ایران و آشکار شدن زیاده‌خواهی‌های تاریخی حکومت عثمانی نسبت به ایالات غربی ایران گردید. ترکان عثمانی که مدّت‌ها انتظار چنین فرصتی را داشتند به هیچ‌وجه حاضر نبودند ایران بی‌دفاع را برای افغانه تازه از راه رسیده باقی گذاشته و از مطامعی که به خاطر آن چندین دهه نبرد کرده بودند، منصرف شوند. به همین منظور فرصت را غنیمت شمرده و از آشفستگی اوضاع ایران سود برده و به مناطق غربی ایران دست اندازی کردند و ایلات گرد را مورد حمله مستقیم خود قرار دادند (گیلانتر، ۱۳۴۴: ۶۹).

اشرف افغان نیز به نوبه خود، برای کسب مشروعیت از سوی عثمانی، بسیاری از شهرهای غربی ایران شامل همدان، کرمانشاه، کردستان،

۲. قلعه‌بیگی: مستحفظ و نگهبان قلعه؛ دژبان (عمید، ۱۳۸۹: ذیل واژه).

اعتراض نجف‌قلی خان، ایل بیگی^۱ کلهر، مواجه شد، دستور کورکردن او را داد (گلستانه، ۱۳۴۴: ۲۲۰).

۵. ایل کلهر در دوره زندگی

مرگ غیرمنتظره نادرشاه افشار در خبوشان مشهد (۱۱۶۰ق)، مردم ایران و حتی نزدیکان نادر را که زمانی نه چندان دور وی را در قامت ناجی و قهرمان می‌دیدند، از وحشت و اضطراب دائمی رها کرد. خوشحالی ناشی از قتل نادر چندان به طول نینجامید؛ زیرا کشور مجدداً عرصه ناامنی و تاخت و تاز ایلات و سرداران مدعی گردید. سرانجام، ایل زند به رهبری کریم‌خان، توانست با مساعدت دیگر ایلات و عشایر گُرد، گُر و بختیاری به موقعیتی برتر دست یافته و با کنار زدن مدعیان، حکومت زندیه را پایه‌گذاری کند. نکته امیدوارکننده برای ایلات گُرد این بود که کریم‌خان زند به سبب شناخت ایلات کرمانشاه و همچنین احساس قرابت فرهنگی، زبانی و نژادی با این ایلات، در هنگام نبرد قدرت، با آنها متحد شد و از مساعدت ایلات مهم آن روزگار مانند ایل کلهر و زنگنه برخوردار شد. دوستی دو جانبه کریم‌خان زند و رؤسای ایل کلهر به جایی رسید که خود کلهرها تصمیم گرفتند به جهت کمک به خان زند، به صورت داوطلبانه به شیراز کوچ کنند. به همین منظور، رئیس ایل کلهر فرمان داد ۲۰ هزار خانوار از ایل کلهر و طوایف وابسته به آن در مهاجرتی تاریخی به شیراز کوچ کنند و این مهم نقش چشمگیری در حمایت از حکمران زند و نیز عمران و آبادانی شیراز ایفا کرد (گلستانه، ۱۳۴۴:

سرزمین‌های فوق بار دیگر به دنبال نبردهای نادر با قوای عثمانی به تصرف ایران درآمد (مروی، ۱۳۶۴: ۳/ ۸۸۷-۹۲۵، ۱۰۶۲-۱۰۷۱).

نادر که خود بی‌علاقه نبود تا پادشاهی ایران را به دست آورد، اقدامات خودسرانه شاه تهماسب دوم را بهانه قرارداد و با یک اقدام جسورانه در انجمن دشت مغان، شاه تهماسب را از سلطنت ایران خلع و خود را به عنوان پادشاه ایران معرفی کرد (استرآبادی، ۱۳۶۴: ۱۷۵).

نادر پس از پادشاهی، با توجه به شناختی که از ایلات و عشایر و نقش آنها در تحولات و جابه‌جایی قدرت در ایران داشت، سیاستی ویژه نسبت به سران ایلات در پیش گرفت. وی به منظور بیرون راندن عثمانی‌ها راهی غرب ایران شد. در آن زمان هنوز ایالت کرمانشاه در اشغال عثمانی‌ها بود. عده‌ای از نیروهای ایلی کرمانشاه همراه رئیس خود، حسین‌علی‌خان زنگنه، به سپاه نادر پیوستند. نادر پس از پیروزی بر عثمانی، حسین‌علی‌خان زنگنه را به ایالت و دارایی آن حدود تعیین نمود (مروی، ۱۳۶۴: ۱/ ۱۳۴).

پایمردی ایلات گُرد - به‌ویژه کلهر و زنگنه - در نبرد با عثمانی باعث حُسن توجه نادرشاه به آنها گردید. اما وقتی جنگ با عثمانی فرو نشست و نادرشاه در پی ایجاد امنیت پایدار در منطقه بود، تصمیم گرفت سیاست تجربه شده شاه‌عباس اول در کوچاندن ایلات، جابه‌جایی آنها و رودررو قرار دادنشان با قبایل جدید را به اجرا گذارد. به همین سبب، وی در بنای قلعه معروف کرمانشاهان، از بیم قیام ایل کلهر به جای استقرار سواران و جنگجویان قلمرو زنگنه و گوران، بسیاری از اعراب «میش‌مست» خراسان و طوایف ترکمان را کوچانیده و در قلعه مستقر کرد و حتی وقتی با

۱. ایل بیگی: نایب رئیس ایل، رهبر ایل (عمید، ۱۳۸۹: ۱۹۳).

میان کلهرها، با دختر محمدخان کلهر موسوم به «قدم‌خیرخانم» ازدواج کرد. این ازدواج سیاسی از یک طرف موضع ایلات گرد کرمانشاه را به‌طور اعم و موضع ایل کلهر را به‌طور اخص تحکیم بخشید. علی‌خان نیز با استفاده از این رویداد، قدرت شخصی و ایلی خود را در منطقه بسط و گسترش داد. گلستانه ضمن مطالبی درباره فرزندان کریم‌خان، به پسری به نام ابراهیم‌خان اشاره کرده که مادرش دختر محمدخان کلهر بوده و تا سال ۱۲۰۶ می‌زیسته است (گلستانه، ۱۳۴۴: ۴۵۹). این ازدواج نشانگر این واقعیت است که از منظر خان زند، در آن روزگار و در غرب کشور، ایلات کرمانشاه و به ویژه کلهرها از قدرت و نفوذ بیشتری برخوردار بودند و برکشیدن و حمایت آنها سبب تضمین امنیت در منطقه خواهد گردید.

طوایف گرد و به ویژه کلهرهای تحت رهبری علی‌خان، علاوه بر حضور در نبردهای متعدد، با دولت عثمانی، در سرکوب مدعیان داخلی غرب کشور نیز به یاری کریم‌خان شتافتند. آنها همچنین موفق شدند در نبردی شجاعانه مسیر آب رودخانه «گنگیر» - واقع در سومار - را که عثمانی تغییر داده بود، به مجرای اصلی خود بازگردانند. سرانجام هم معاهده‌ای جدید و عادلانه برای استفاده مشترک از آب رودخانه مذکور به امضا رسید و مقرر گردید برای آب مندلی وقازانیه هرسال مبلغ ۵۰۰ تومان باج آب از طرف حکومت بغداد به حکومت کلهر (ایوان) بپردازند. این قرارداد تا اواخر قاجاریه به قوت خود باقی بود و هر سال از طرف اهالی مندلی و وقازانیه این مبلغ را به ایل کلهر در ایوان پرداخت می‌کردند (محمدی، ۱۳۷۴: ۷۲-۷۴).

علی‌خان کلهر نفوذ و اقتدار گردهای تحت امر خود را به بالاترین حد رسانید و سرانجام در نبرد

رابطه دوستانه کریم‌خان و رؤسای ایل کلهر به تثبیت قدرت کلهرها در منطقه و گسترش نفوذ و اقتدار آنها منجر شد. علاوه بر آن، کریم‌خان در ایجاد امنیت پایدار و از بین بردن مدعیان داخلی سلطنت نیز از ایلات کرمانشاه استفاده کرد. به عنوان نمونه، در تسخیر قلعه کرمانشاه که در تصرف ایلات عرب میش‌مست و ترکمانان به فرماندهی عبدالعلی‌خان میش‌مست و میرزاتقی‌خان بود، از قوای ایلات گرد استفاده کرد. در واقع، اولاً گردها مجدداً برای آزادی سرزمین خود می‌جنگیدند و ثانیاً آنها بسیار مشتاق بودند که با قبایل کوچنده‌ای که نادرشاه علی‌رغم میل آنها و به زور، به کرمانشاه وارد کرده بود، به نبرد بپردازند. در نهایت

اکراد [کلهرها و زنگنه] بی‌وقف از تهور و جلادت از توپ و تفنگ احتیاط نکرده و بی‌باکانه یورش بر سواران قلعه آورده و تا پای خندق عنان می‌کشیدند و اهل قلعه از بروج توپ و تفنگ و جزایر و خمپاره مانند ستاره از هر طرف بر آنها می‌ریختند... (گلستانه، ۱۳۴۴: ۲۱۷).

با نقش‌آفرینی دو ایل بزرگ کلهر و زنگنه، قلعه کرمانشاه پس از ۱۴ ماه تصرف شد و کریم‌خان زند به کرمانشاه آمد و سران ایلات ترکمان و میش‌مست را مورد عفو قرار داد و آنها را در سپاه خود نگهداشت و اجازه داد ساکنان قلعه به سرزمین‌های خود بازگردند. هنگامی که کریم‌خان در بیرون شهر کرمانشاه حضور داشت دسته‌ای از رؤسای ایل کلهر که مرکزشان هارون‌آباد (اسلام‌آباد امروزی) بود، نزد وی آمدند تا مراتب احترام و انقیاد خویش را ابراز دارند (همان: ۱۷۷).

خان زند در مدت اقامت چند روزه خود در

با دولت عثمانی کشته شد.

از دیگر خدمات نخبگان ایلات کلهر و زنگنه در دوره کریم‌خان، تلاش در جهت حل منازعات ایران و عثمانی به روش مسالمت‌آمیز و دوستانه بود. کریم‌خان نیز مانند اخلاف خویش به وجود شمشیر سیاسی و لیاقت‌های دیپلماتیک در نخبگان گرد باور داشت. به عبارت دیگر، می‌توان ادعا کرد که گُردها اولاً، به سبب حضور دیرپا در مناصب سیاسی دولت‌های صفویه، افشاریه و زندیه توانسته بودند تا حدود زیادی به رموز سیاست‌ورزی روزگار خود آشنا شوند؛ دوم آنکه آنها به سبب حضور در میانه منازعه طولانی ایران و عثمانی در واقع بهترین افراد برای انجام سفارت به خاک عثمانی و حل منازعات مرزی طرفین به‌شمار می‌آمدند. ضمن آنکه نخبگان گرد به سبب حضور در سرحدات در دو سوی مرز از ارتباطات با اهمیتی برخوردار بودند که به‌طور بالقوه می‌توانست آنها را در مأموریت خطیر پیش‌رو یاری رساند. در پی وقوع بیماری وبا در سال‌های ۱۱۸۶-۱۱۸۷ق در عتبات عالیات، عمرپاشا، حاکم وقت بغداد، دارایی‌های زائران و بازگاران ایرانی فوت شده را غصب کرد (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۱۸۱).

کریم‌خان به منظور احقاق حقوق وارثان زائران فوت شده ایرانی، حیدرقلی‌خان زنگنه - از اُمرا و بزرگان ایلات گرد کرمانشاهان - را به سفارت به بغداد فرستاد که البته در این مورد خاص تلاش‌های امیرحیدرخان زنگنه به نتایج درخور منجر نشد و در نهایت همین امر یکی از دلایل درگیری نظامی بین ایران و قوای عثمانی در بغداد گردید (مدرسی چهاردهی، ۱۳۴۸: ۱۷۸). دولت عثمانی از حمله به بغداد و محاصره بصره بسیار نگران بود، به همین سبب هم سفیر باب عالی با لحنی

ملتمسانه از کریم‌خان درخواست کرد که به محاصره بصره پایان دهد. کریم‌خان برای تأدیب عثمانی‌ها، سفیر مذکور را حدود سه ماه در شیراز معطل نگاه داشت. سپس سفیر عثمانی را با جواب نامه و به همراه عبدالله‌خان کلهر که از جمله کاردانان درگاه بود و از مراسم امر سفارت و ایلچی‌گری آگاهی داشت به قسطنطنیه به دربار سلطان عثمانی بازگردانیدند (گلستانه، ۱۳۴۴: ۳۳۹).

عبدالله‌بیگ کلهر به همراه نامه کریم‌خان و برای مذاکره درباره مواردی مانند: جلوگیری دربار عثمانی از مداخله عمرپاشا در کردستان، لغو حق عبور تحمیلی زائران ایرانی و پرداخت چهل‌هزار کیسه پول برای جبران مصادره اموال ایرانیان متوفی بر اثر وبا، به دربار عثمانی گسیل شد. البته دولت عثمانی تنها به عزل و بعدها قتل عمرپاشا بسنده کرد و به دیگر درخواست‌های دولت ایران ترتیب اثری نداد؛ به همین سبب نیز صادق‌خان زند نه تنها دست از محاصره بصره نکشید، بلکه در نهایت آن شهر را به تصرف درآورد (نامی اصفهانی، ۱۳۶۳: ۲۱۰-۲۱۱) تا یکی از معدود جنگ‌های خارجی روزگار کریم‌خان زند با تسخیر بندر مهم بصره در جنوب عراق پایان پذیرد.

پس از این رویداد، یکبار دیگر دربار استانبول تلاش کرد با انجام مذاکرات دیپلماتیک تنش موجود را مدیریت کند، اما مرگ والی بغداد موسوم به عبدالله‌پاشا و شورش داخلی باعث به تعویق افتادن مذاکرات مذکور شد. سال بعد از آن هم مرگ کریم‌خان زند (۱۱۹۳ق) امید مصالحه در باب بصره را در کوتاه مدت به بن‌بست رسانید و سفارت اُمرای کلهر و زنگنه بدون انجام مذاکرات و گرفتن نتیجه قابل توجهی ناتمام ماند (پری، ۱۳۸۲: ۲۷۷-۲۸۷).

خسروخان برخلاف ادعای مؤلف رستم/تواریخ، نه تنها اساساً در پی سلطنت نبود، بلکه میلی به توسعه‌طلبی هم نداشت و همواره در موضعی تدافعی قرار داشت. به نظر می‌رسد نبرد با الله‌قلی‌خان نیز در واقع به سبب زیاده‌خواهی‌های حاکم کرمانشاهان صورت گرفته باشد (وقایع‌نگار کردستانی، ۱۳۶۴: ۱۶۰).

البته برخی منابع هم علت درگیری طرفین را نه جاه‌طلبی‌های مرسوم، بلکه تحریک برخی عوامل ایلی و طایفگی‌گرد دانسته‌اند. در واقع در هر دو طرف، گروهی از ناراضیان طرف مقابل حضور داشتند که در طول سالیان به گروه مقابل پیوسته و در پی فرصتی مناسب بودند. به عنوان نمونه گروهی از سربازان جنگاور ایل کلهر که از استیلاي طولانی مدت ایل زنگنه بر کرمانشاهان ناراضی بودند در کنار خسروخان حضور داشته و وی را مدام به تهاجم علیه الله‌قلی‌خان تحریک می‌کردند (همان، ۱۶۰). ضمن آنکه در طرف مقابل هم می‌توان از محمدرشیدخان - وکیل کردستان - و اتباعش نام برد که به الله‌قلی‌خان پیوسته و از محرکان وی برای نبرد با خان اردلان به‌شمار می‌آمدند (بهبهانی، ۱۳۷۰: ۱۵۵).

۷. ایل کلهر در دوره قاجاریه

با قدرت‌یابی آقامحمدخان قاجار، ایلات و عشایر کوچانده شده به شیراز در دوره زندیه از جمله کلهرها به سکونتگاه‌های اولیه خود بازگشتند. هم‌زمان با جریان‌های دهه اول سلطنت فتحعلی‌شاه و سال‌های اولیه حاکمیت شاهزاده محمدعلی میرزای دولت‌شاه بر کرمانشاهان، خوزستان، لرستان و سرحدداری عراقین و شروع منازعات مرزی ایران و

۶. کرمانشاه در آستانه تأسیس حکومت قاجار

هم‌زمان با تلاش‌های آقامحمدخان قاجار برای کسب قدرت سیاسی در ایران، حکومت کرمانشاهان در اختیار الله‌قلی‌خان زنگنه قرار داشت. به نوشته منابع در آن روزگار کرمانشاهان از امنیت و انتظام برخوردار بوده و قوای خان زنگنه و سیاست‌های وی مانع از تهاجمات قبایل مهاجم و همچنین قوای عثمانی می‌گردیده است. چنان‌که به گفته شوشتری: «در عهد او از بیم مهابتش فتنه‌انگیزان بومی و رومی سر در زاویه خمول کشیده رعایا و برایا در مهد امن و آسایش بودند» (شوشتری، ۱۳۶۳: ۱۷۶).

از مهم‌ترین حوادث دوران حکومت وی بر کرمانشاهان تقابل نظامی با خسروخان - والی اردلان - بود. این رویداد نقش مهمی در اوضاع کرمانشاهان و ایلات آن ناحیه داشت. در واقع در روزگاری که سلطنت خاندان زند در حال اضمحلال بود و هنوز خان قاجار سلطنت خویش را بر مملکت ایران برقرار نکرده بود؛ بار دیگر به عادت دیرین، برخی از ایلات و طوایف در پی گسترش قلمرو خود و حتی دست یافتن به منصب شاهی، به درگیری با یکدیگر مشغول شدند. برخی منابع درگیری الله‌قلی‌خان زنگنه با خسروخان را نیز تلاشی برای رسیدن به سودای حکومت تلقی کرده‌اند (آصف، ۱۳۵۷: ۴۵۰).

به هر حال خسروخان موفق شد بر خان زنگنه غلبه یافته، او را به قتل رساند و از حکومت کرمانشاهان کنار زند. طبق گزارش منابع، خسروخان حکومت کرمانشاهان را پس از تصرف خزاین و رمة الله‌قلی‌خان زنگنه به عموی وی (حاجی علی‌خان زنگنه) سپرد. نکته مهم این که

مشتعل و نبرد آغاز شد (سپهر، ۱۳۷۷: ۱/ ۲۲۳؛ هدایت، ۱۳۸۰: ۹/ ۷۶۳۸). در ضمن این نبرد، سپاهیان شاهزاده محمدعلی میرزا دولتشاه، ضمن بازپس‌گیری قلعه شاهین، ذهاب و قصر شیرین از عثمانی، شهر مندلی را هم متصرف شدند. در یکی از همین نبردها، ایل کلهر به فرماندهی حاجی‌زادگان و در تنگه‌ای در ۱۵ کیلومتری گیلان غرب که پس از آن واقعه و به یاد شجاعت آنان به تنگ حاجیان معروف گردید، به سپاه عثمانی ضربه‌ای سخت وارد کرد (سلطانی، ۱۳۷۲: ۱/ ۵۲۱). مهم‌ترین پیامد این نبرد، پایان سلطه پادشاهای باجلان تبعه عثمانی بر قلعه شاهین و دشت ذهاب بود، چرا که شاهزاده دولتشاه پس از نبرد با ترکان عثمانی، به فراخور مجاهدت‌های مردم عشایر حاضر در جبهه جنگ، بخشش‌ها و مرحمت‌هایی مبذول داشت و به استناد یادداشت‌های خطی امام‌قلی‌خان کشاورزی شیخوند:

... در پایان جنگ که پیروزی نصیب اردوی غرب می‌گردد به هشت تن از فرزندان منوچهر بیگ کلهر، نیای خاندان حاجی‌زادگان کلهر که یک یا دوتن از آنان در جنگ شهید می‌شوند املاک خالصه گرمسیری قلعه شاهین به ملکیت واگذار می‌گردد (کشاورزی شیخوند، بی تا: ۳).

به گفته چریکف، در زمان محمدعلی میرزا دولتشاه عثمانی‌ها ریجاب را به طایفه گوران فروختند و قلعه شاهین را هم به طایفه کلهر دادند (چریکف، ۱۳۵۸: ۱۵۹). راولینسون نیز ضمن عبور از منطقه دئیره (دیره) بیان کرده است که خوانین کلهر جلگه دیره را که قبلاً به پاشانشین ذهاب تعلق داشت، پس از تسلط ایران بر این منطقه، به همراه منطقه زرخیز قلعه شاهین به مبلغ کمی بیشتر از

عثمانی، مهدی‌خان اول فرزند اسماعیل‌خان کلهر، ایل بیگی را بر عهده داشت که به قول سرجان ملکم که در سال ۱۸۰۱م با او ملاقات داشته، حدود «چهارهزار سوار» در اختیار داشته است (ملکم، ۱۳۸۰: ۲/ ۸۵۷). محمدعلی میرزا در بدو ورود به کرمانشاهان اقدام به احضار سواران ایلات و طوایف کرد و سپاهیان خود را از افراد کلهر، زنگنه، گوران و وند تشکیل داد. در همان زمان، به دلیل انعقاد پیمان فین‌کنشتاین بین ایران و فرانسه، هیئتی فرانسوی به کرمانشاه اعزام شد تا افراد و سواره تحت امر محمدعلی میرزا را تعلیم داده و منظم نماید (سلطانی، ۱۳۷۳: ۲۹۳). ژنرال گاردان عقیده داشت ولایاتی که جزء قلمرو حکومتی محمدعلی میرزا قرار دارد مسکن جنگجوترین ایلات ایرانی است (دوگاردان، ۱۳۶۲: ۱۷۰).

شاهزاده محمدعلی میرزا در جنگ‌های ایران و عثمانی در سال ۱۲۳۶ق از معلمان فرانسوی در سپاه خود استفاده کرد و فوجی از سواران و توپخانه و زنبورک‌خانه وی به سرکردگی «موسی‌دده»، معلم فرانسوی، به نیروهای عثمانی حمله‌ور شدند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰: ۱/ ۵۴۰) و «دلاوران زنگنه و کلهر از پیش رو حمله‌آور شدند و توپخانه و زنبورک‌خانه و پیاده‌نظام از پشت سر شعله‌بار بر آن قوم عفریت سیر آمدند» (همان: ۵۴۱).

در جریان منازعات مرزی ایران و عثمانی در سال ۱۲۲۷ق، شاهزاده محمدعلی میرزا به منظور حل اختلافات با روش دیپلماسی و مصلحت‌جویانه، مهدی‌خان منیشی کلهر را به‌جانب بغداد فرستاد تا در صورت پشیمانی عبدالله‌پاشا در ایجاد اختلاف، وی نیز لشکرکشی به سوی بغداد را متوقف کند، اما به سبب بی‌توجهی وزیر بغداد به نصایح صلح‌طلبانه سفیر دولتشاه، آتش جنگ

فرزندش، محمدعلی‌خان، به مقام ایل‌بیگی ایل کلهر رسید. در دوره حکمرانی محمدحسین میرزا (۱۲۳۷ق) وی علاوه بر برخورداری از حمایت ایل کلهر در جناح‌بندی‌های شاهزادگان قاجار، توانست با یاری سواران و پیادگان ایل کلهر، قلعه مندلیج (شهر مندلی امروزی در خاک عراق) را به تصرف درآورد و در مقابل حملات بعدی داوودپاشا، وزیر بغداد، که به منظور استرداد مندلیج انجام گرفت، مقاومت کند. هرچند در ادامه جدال، در سال ۱۲۳۸ق مندلیج توسط قوای عثمانی تصرف شد و محمدعلی‌خان کلهر به اسارت نیروهای داوودپاشا درآمد، اما طی دستوری از سوی فتحعلی‌شاه، محمدحسین میرزا، حکمران کرمانشاه، به تصرف مندلیج اقدام نمود (صنیع‌الدوله، ۱۳۶۳: ۳/ ۱۵۵۷؛ سپهر، ۱۳۷۷: ۱/ ۳۴۹). همچنین مقام ایل‌بیگی کلهر طی حکمی از سوی فتحعلی‌شاه به حاج شهبازخان کلهر منتقل شد. ازدواج شاهزاده مریم‌سلطان، دختر محمدحسین میرزا حشمت‌الدوله، با محمدحسین‌خان، فرزند محمدعلی‌خان کلهر (۱۲۴۱ق) به تقویت موقعیت ایل کلهر انجامید (سلطانی، ۱۳۷۲: ۱/ ۵۲۲). اکنون این عقدنامه در نزد سیروس یاوری کلهر، از نوادگان این خاندان است. وفاداری ایلات کرمانشاه به دولت‌شاه و فرزندانش در ابتدای پادشاهی محمدشاه قاجار، موقعیت آنان را دچار تزلزل کرد و در سال ۱۲۵۷ق محمودپاشاخان و عباس‌قلی‌خان، به بهانه شورش علیه حاجی‌خان شکی، حاکم کرمانشاهان، و قتل وی، به دست مجبعلی‌خان ماکویی، حکمران جدید کرمانشاه، محبوس و به تهران فرستاده شدند (صنیع‌الدوله، ۱۳۶۳: ۳/ ۱۶۵۴-۱۶۵۵، ۱۶۶۰). همچنین

درآمد یک سال هر دو منطقه خریداری کردند (راولینسون، ۱۳۶۲: ۳۲). هرچند به اعتقاد سلطانی قلعه شاهین قبل از انتصاب دولت‌شاه و در سال ۱۲۱۹ق توسط خوانین کلهر از پاشایان باجلان ذهاب خریداری شد، اما هیچ‌گونه سندی در این راستا که موجب تأیید یا تقویت این گمان باشد، ارائه نشده است (سلطانی، ۱۳۷۲: ۲/ ۸۰۸).

در دوره حاکمیت محمدعلی میرزا دولت‌شاه بر کرمانشاهان، کلهرهای هارون‌آباد (اسلام‌آباد غرب کنونی) تحت ریاست زنی به نام خانزاده قرار داشتند. این زن شجاع به همراه مردان ایل و ملیس به لباس مردانه سر راه بر کاروان‌ها گرفته و آنها را غارت می‌کرد. هر چند پیشنهاد ازدواج دولت‌شاه با خانزاده که به منظور مطیع نمودن وی مطرح شد، به دلیل اتهام بی‌بند و باری به وی از سوی کلهرهای دستگاهش به نتیجه‌ای نرسید، با این حال خانزاده همچنان رئیس ایل باقی ماند و حتی زمانی دیگر، لشکر معتمدالدوله را هم شکست داد (چریکف، ۱۳۵۸: ۱۵۱).

ایل کلهر در دوره محمدشاه قاجار متشکل از ۲۰/۰۰۰ خانوار بود که نصف آنها در نقاط مختلف ایران پراکنده بودند و بقیه در اقامتگاه‌های قدیمی خود در حوالی زاگرس به سر می‌بردند (راولینسون، ۱۳۶۲: ۳۸). راولینسون کلهرهای کرمانشاه را به دو شاخه بزرگ شاه‌بازی (شهبازی) و منصوری تقسیم کرده که کلهرهای شاه‌بازی منطقه وسیعی را از ماهیدشت در نزدیکی کرمانشاه تا مندلی در مرز عثمانی در اختیار داشتند و منصوری‌ها در منطقه محدودتری در جنوب گیلان سکونت نمودند (همان، ۳۸).

پس از مرگ مهدی‌خان کلهر در سال ۱۲۳۰ق

سرکوب آنها پرداخت. پیامد نافرمانی‌های رهبر ایل کلهر باعث شد از نیمه دوم سلطنت صفویان، ایل زنگنه از کرمانشاه برکشیده شد و ضمن سپردن مناصب بالای منطقه به آنان، در دربار و دستگاه حاکمیت نیز جایگاه والایی بیابند.

در دوره افشاریه قوای کلهر نقش مهمی در نبردهای ایران و عثمانی داشتند، اما نادرشاه افشار جهت مقابله با تحركات عشایر کرمانشاه و به خصوص در مقابل ایل کلهر اقدام به کوچاندن ایلات دیگر به منطقه نمود و قلعه مستحکم کرمانشاه را در اختیار آنان نهاد. با روی کار آمدن کریم‌خان زند و جدال بر سر کسب قدرت، گردها و گرها از عمده نیروهای طرفدار و پشتیبان وی بودند که در نتیجه خان زند نیز با دعوت از آنها به شیراز، نقش برجسته‌ای در پایداری و ثبات حاکمیت ایفا نمودند. کلهرها در این زمان با وصلت با خان زند در کانون توجه قرار داشتند و هم در منطقه کرمانشاه و هم در دربار وکیل‌الرعا یا جایگاه بسیار بالایی به دست آوردند.

پس از روی کار آمدن حکومت قاجاریه و با انتصاب محمدعلی میرزا دولتشاه در کرمانشاهان و وصلت فرزندان اسماعیل‌خان کلهر با نوادگان دولتشاه، جایگاه ایل کلهر در منطقه و در نزد حاکمان قاجاریه فزونی یافت. در این دوره، قوای توانمند ایل کلهر در خدمت حکام قاجاریه برای مقابله با دشمنان در غرب و شرق ایران درآمد.

منابع

آصف، محمدهاشم (۱۳۵۷). *رستم‌النواریخ*. تصحیح و تحشیه محمد مشیری. تهران: امیرکبیر.
استرآبادی، میرزاهمدی‌خان (۱۳۶۴). *تاریخ جهانگشای نادری*. تهران: دنیای کتاب.

مصطفی‌قلی‌خان کلهر دیوان‌بیگی^۱ به حکمرانی کلهر منصوب شد (صنیع‌الدوله، ۱۳۶۳: ۳ / ۲۱۴۱). محبوسین پس از درگذشت محمدشاه و به سلطنت رسیدن ناصرالدین‌شاه، به‌وساطت عزیزخان سردارکل و میرزاتقی‌خان امیرکبیر آزاد شدند و به‌میان ایل بازگشتند (سلطانی، ۱۳۷۲: ۱ / ۵۲۲-۵۲۳).

۸. نتیجه

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد با ظهور حکومت شیعه مذهب صفوی و شروع اختلافات ایران و عثمانی، ایل کلهر درکنار ایلاتی چون زنگنه، گوران و پازوکی قسمت قابل توجهی از سپاه صفویان را تشکیل داد. تکیه دولت صفویان در نیمه نخست این سلسله به ایلات قزلباش و گماشتن قزلباشان در مناطق و مناصب مختلف و سپردن حاکمیت دیگر ایلات به آنان پیامدهای گوناگونی داشت که یکی از آنها نافرمانی برخی از همان رهبران قزلباش در برابر حکام صفویه بود. در دوره شاه‌اسماعیل اول تا حاکمیت شاه‌عباس کبیر عمده مناطق کلهرنشین تحت فرمان و رهبری قزلباشان قرار داشت. در این دوره نافرمانی ایل کلهر و رهبران آن تا به آن حد نگران‌کننده بود که شاه تهماسب اول خود در رأس یک نیرو به

۱. منصب دیوان‌بیگی از مناصب دوره صفویه بود و به استناد منابع دوره صفوی می‌توان گفت مأموری بود که بر امور قضایی نظارت داشت و اجرای قوانین و احکام تحت نظر او بود (میرزا سمیع، ۱۳۷۸: ۹۲-۹۳). در دوره قاجار دیوان‌بیگی از القابی بود که شاه به برخی افراد می‌داد (صنیع‌الدوله، ۱۳۶۳: ۱۵۹۱، ۱۶۹۶، ۱۷۴۹). البته حدود اختیارات این دیوان‌بیگیان و مناسبات آنان با امیر دیوان به روشنی مشخص نیست. اما با توجه به وظیفه دارنده این منصب در ادوار قبل شاید این افراد نمایندگان عدلیه و امیر دیوان در ایالات بوده‌اند.

- اهتمام موجد صمد. تهران: کتابخانه طهوری.
- صنیع الدوله، محمدحسن (۱۳۶۳). تاریخ منتظم ناصری. تصحیح محمد اسماعیل رضوانی. جلد سوم. تهران: [بی‌نا].
- عبدی بیگ شیرازی (۱۳۶۹). تکمله الاخبار. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: نشر نی.
- عمید، حسن (۱۳۸۹). فرهنگ فارسی. تهران: راه رشد.
- غفاری قزوینی، قاضی احمد (۱۳۴۳). تاریخ جهان آرا. به کوشش استاد مجتبی مینوی. تهران: کتابفروشی حافظ.
- فولادی منصوری، ولی (۱۳۹۳). تاریخ سیاسی اجتماعی بزرگ ایل کلهر. کرمانشاه: کرمانشاه.
- کشاورزی شیخوند، امام‌قلی خان (بی‌تا). یادداشت‌های شخصی. نسخه خطی. کرمانشاه: محفوظ در کتابخانه شخصی اردشیر کشاورز.
- گلستانه، ابوالحسن بن محمدامین (۱۳۴۴). مجمل التواریخ. اهتمام مدرس رضوی. تهران: دانشگاه تهران.
- گیلانتنز، سرکیس (۱۳۴۴). سقوط اصفهان؛ گزارش‌های گیلانتنز درباره حمله افغانان و سقوط اصفهان. ترجمه محمد مهدیار. اصفهان: شهریار.
- محمدی کلهر، آیت (۱۳۷۴). سیری در تاریخ سیاسی گرد و گردهای قم. قم: پرسمان.
- محمدی کلهر، آیت (۱۳۷۶). جغرافیای تاریخی ایوان غرب (ایوان کلهر). قم: تعاونی ناشران.
- محمدیوسف مورخ (۱۳۱۷). ذیل عالم‌آرای عباسی. تصحیح سهیلی خوانساری. تهران: کتابفروشی اسلامیه.
- مدرسی چهاردهی، مرتضی (۱۳۴۸)، «بغداد و بصره در قلمرو شهریار زند». بررسی‌های تاریخی، خرداد تا شهریور. سال ۱۳۴۸. ش ۲۰-۲۱. ص ۱۷۸.
- مروی، محمدکاظم (۱۳۶۴). عالم‌آرای نادری. تهران: کتابفروشی زوار.
- ملکم، جان (۱۳۸۰). تاریخ کامل ایران. ترجمه میرزا اسکندریبگ ترکمان (۱۳۸۲). تاریخ عالم‌آرای عباسی. زیر نظر ایرج افشار. تهران: امیرکبیر.
- بدلیسی، امیرشرف‌خان (۱۳۶۴). شرفنامه. به کوشش محمد عباسی. تهران: موسسه مطبوعاتی علمی.
- بهبهانی، آقا احمد بن محمدعلی (۱۳۷۰). مرآت‌الاحوال جهان‌نما. مقدمه و تصحیح علی دوانی. تهران: امیرکبیر.
- پری، جان (۱۳۸۲). کریم‌خان زند. ترجمه محمدعلی ساکی. تهران: نشر نو.
- جنابدی، میرزابیگ‌حسن (۱۳۷۸). روضه الصفویه. تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار.
- چریکف (۱۳۵۸). سیاحتنامه مسیو چریکف. ترجمه آبکار مسیحی. تهران: چاپخانه سپهر.
- خاوری شیرازی، فضل‌الله (۱۳۸۰). تاریخ ذوالقرنین. اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه‌ای اصفهان.
- دوگاردان، آلفرد (۱۳۶۲). مأموریت ژنرال گاردان در ایران. ترجمه عباس اقبال. تهران: نگاه.
- راولینسون، هنری (۱۳۶۲). سفرنامه راولینسون (گذر از زهاب به خوزستان). ترجمه سکندر امان‌اللهی بهاروند. تهران: آگاه.
- ربورن، کلاوس میثائیل (۱۳۸۳). نظام ایالات در دوره صفوی. ترجمه کیکاوس جهانداری. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- رمضانی، عباس (۱۳۸۷). معاهدات تاریخی ایران. تهران: ترفند.
- روملو، حسن بیگ (۱۳۵۷). احسن‌التواریخ. تصحیح عبدالحسین نوایی. تهران: اساطیر.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک (۱۳۷۷). ناسخ‌التواریخ. اهتمام جمشید کیانفر. تهران: اساطیر.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۲). ایالات و طوایف کرمانشاه. تهران: مؤلف.
- سلطانی، محمدعلی (۱۳۷۳). تاریخ مفصل کرمانشاهان. تهران: سها.
- شوشتری، میرعبدالطیف خان (۱۳۶۳). تحفه العالم. به

نامی اصفهانی، محمدصادق (۱۳۶۳). *تاریخ گیتی‌گشا*. تهران: اقبال.
وقایع‌نگار کردستانی، علی‌اکبر (۱۳۶۴). *جغرافیا و تاریخ کردستان (حدیقه ناصریه و مرآت الظفر)*. به کوشش محمدرئوف توکلی. تهران: توکلی.
هدایت، رضاقلی‌خان (۱۳۸۰). *تاریخ روضه الصفای ناصری*. تهران: اساطیر.

اسماعیل حیرت. تهران: افسون.
منجم یزدی، ملاجلال (۱۳۶۶). *تاریخ عباسی (روزنامه ملاجلال)*. به کوشش سیف‌الله وحیدنیا. تهران: وحید.
میراحمدی، مریم (۱۳۷۱). *تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفویه*. تهران: امیرکبیر.
مینورسکی (۱۳۷۸). *تذکره‌الملوک سازمان اداری حکومت صفوی*. ترجمه مسعود رجب‌نیا. تهران: انجمن کتاب - زوار.

مهر: گرفت خاتم شاهی ز قدرت ازلی

قرار در کف شاه زمانه فتحعلی

حکم والا شد آنکه چون مراتب خدمت عالیجاه رفیع جایگاه عزت و سعادت همراه فخامت و مناعت انتباه عمده الایمان خیرالحاج حاجی شهباز خان کلهر به کرات و مرات در پیشگاه آسمان جاه و آستان خلافت بنیان اقدس همایون خاقانی ظاهر و مؤید گردیده و شهامت و خدمت او به عرصه ظهور رسیده و بزمت همت خسروانه لازم افتاده که در حق این گونه چاکران صداقت اندیش دولتخواه که حیات خویش را مصروف در خدمات سرحدی می‌دارند اظهار مکرمتی و ابراز مرحمتی شود که به سبب آن امتیاز و اعتبار تمامی بین‌الامثال والاقران حاصل نمایند. لهذا در هذه السنه تنگ‌وزنیل خیریت دلیل و بعدها آن عالی‌جاه را به منصبو شغل جلیل ایل‌بیگی‌گری دارالدوله کرمانشاهان و مضافات آن مفتخر و سرافراز داشتیم و یک ثوب طاقه شال ترمه کشمیری به رسم خلعت در حق آن عالی‌جاه مرحمت فرمودیم که به دلگرمی تمام متوجه ایلات آن صفحات شود و به آسودگی مشغول انجام خدمات مرجوعه خود گردد. مقرر آنکه مقرب الخاقان کتاب سعادت اکتساب دارالانشای همایونی شرح فرمان مبارک را ثبت دفاتر خلود نموده در عهده شناسند. شهر ربیع‌الاولی ۱۲۳۲.

